

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران

# درس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی

کتاب الطهارة

سطح ۲

## درس یازدهم

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای مهاجری

## مقدمه

در رابطه با کیفیت وضوء پانزده مساله در کتاب عنوان شده است که در درس قبل مستندات مربوط به شش مساله بررسی گردید. در این درس مستندات پنج مساله دیگر از این مسائل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

این پنج مساله عبارتند از:

- لزوم مسح بر قسمت جلوی سر

- کفایت مسمای مسح، در مسح سر

- لزوم مسح پاها و نه شستن آنها

- لزوم مسح پاها تا برآمدگی روی پاها

- کفایت مسمای مسح پاها از نظر عرفی

برای فهم بهتر این درس توصیه می‌شود با به معانی «باء» و باب المجاوره از کتاب مغنی ابن هشام مراجعه شود.

## متن عربى

- ٧- و أما لزوم المسح على مقدم الرأس فمتسالم عليه ايضاً و إن كان مقتضى اطلاق الآية الكريمة جواز المسح كيف اتفق الا أن صحیحة محمد بن مسلم عن أبى عبد الله عليه السلام: «مسح الرأس على مقدمه»<sup>١</sup> دلت على التقييد. و الروايات الدالة على جواز المسح على المؤخر<sup>٢</sup> لا بدّ من حملها على التقييد او غير ذلك بعد هجران الاصحاب لمضمونها و عدم فتوى احدٍ على طبقها.
- ٨- و أما كفاية المسمّى فيكفى لاثباته اطلاق الآية الكريمة فإنّ الباء يدلّ على أن الواجب مسح بعض الرأس و حيث لم يقيد فيثبت الاطلاق.
- على أن صحیحة زرارة و بكير عن ابى جعفر عليه السلام : «... و اذا مسحت بشىء من رأسك او بشىء من قدميك ما بين كعبيك الى اطراف الاصابع فقد اجزأك»<sup>٣</sup> و غيرها واضحة في ذلك و معه فما عليه بعض العامة من مسح تمام الرأس حتى الاذنين<sup>٤</sup> لا دليل عليه.
- ٩- و أما أن الواجب فى الرجلين المسح دون الغسل - خلافاً لما عليه العامة<sup>٥</sup> - فكتاب الله واضح فيه فان الارجل إما عطف على لفظ «رؤسكم» او على محلها على اختلاف القرائتين و على كلا التقديرين يثبت وجوب المسح.
- و دعوى: أن العطف على «وجوهكم» فيجب الغسل، غايته على قراءة الجر يكون ذلك من باب المجاورة كقولهم «جر ضب خرب» مدفوعة بإباء الذوق السليم لها بعد طول الفصل بين المعطوف و المعطوف عليه بكلام اجنبى.
- ١٠- و أما أن المسح الى الكعبين بلا لزوم ادخا لهما فى المسح، فهو إما لأن ظاهر الغاية عدم الدخول فى المعنى او لصحیحة زرارة و بكير السابقة.
- ١١- و أما كفاية المسمّى عرضاً فى مسح الرجلين فهو مقتضى آية الوضوء بناء على قراءة الجر لتقدير الباء بل قد يقال بذلك حتى بناء على قراءة النصب عطفاً على المحل.

١ . وسائل الشيعه، باب ٢٢ من ابواب الوضوء، حديث ٢.

٢ . نفس المصدر، باب ٢٢ من ابواب الوضوء، حديث ٦.

٣ . نفس المصدر، باب ٢٣ من ابواب الوضوء، حديث ٤.

٤ . الفقه على المذاهب الاربعه، ٥٨/١ طبعة دار الكتب العلمية..

٥ . نفس المصدر، ٥٩/١.

## مستند مسأله هفتم

در باب وضوء پنج بحث وجود دارد که بحث اول راجع به کیفیت وضوء است که پانزده مسأله در رابطه با آن عنوان گردید و مستند شش مسأله مورد بررسی قرار گرفت این شش مسأله عبارتند از:  
مسأله اول:

وضوء مرکب از دو شستن و دو مسح است؛ شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها.  
مسأله دوم:

صورت در وضوء از نظر طول از رستنگاه موها تا چانه و از نظر عرض به اندازه فاصله بین شصت و انگشت وسط شسته می شود.  
مسأله سوم:

شستن صورت باید از بالا به پایین صورت پذیرد و عکس این صورت جایز نیست.  
مسأله چهارم:

دستها باید از آرنج تا سر انگشتان شسته شود.  
مسأله پنجم:

شستن دست باید از آرنج به طرف پایین دست باشد و عکس این صورت جایز نیست.  
مسأله ششم:

لازم است اول دست راست شسته شود.

مسأله هفتم این است که مسح باید در قسمت جلوی سر صورت پذیرد به این ترتیب که اگر سر را به چهار قسمت تقسیم نمایم مسح باید در قسمت جلوی سر صورت پذیرد.

اگر به آیه وضوء نگاه کنیم گفته «وامسحوا براءوسکم» و این بیان مطلق است و علی القاعده می بایستی مسح در هر قسمتی از سر که باشد کفایت نماید ولی روایت محمد بن مسلم محل مسح را در قسمت جلوی سر قرار داده است و به این ترتیب آیه را تقييد نموده است، پس محل مسح سر جلوی سر می باشد.

## اشکال

بعضی روایات مسح بر پشت سر را هم جایز دانسته است.

## جواب

در برخورد با این روایات می توان به دو شکل عمل نمود:

الف: این روایات را حمل بر تقيه نمود زیرا مطابق نظر اهل سنت است و احتمال تقيه در آنها وجود دارد.

ب: به دلیل اعراض اصحاب از عمل به این روایات آنها را طرح می نمایم زیرا اعراض اصحاب از یک روایت آن را از

حجیت ساقط می نماید  
FG ۱.

## تطبيق

۷- و أما لزوم المسح على مقدم الرأس فمتسالم عليه ايضاً و إن كان مقتضى اطلاق الآية الكريمة جواز المسح كى ف اتفق الا أن صحیحة محمد بن مسلم عن أبى عبد الله عليه السلام: «مسح الرأس على مقدمه»<sup>۱</sup> دلت على التقييد.

۷- و اما لزوم مسح بر جلوى سر هم مورد تسالم است و لو اینکه مقتضای اطلاق آیه کریمه وضوء جواز مسح است به هر شکلی که باشد الا اینکه صحیحه محمد بن مسلم از ام ام صادق علیه السلام: «مسح سر بر جلوى سر است» دلالت بر تقييد آیه می نماید.

و الروایات الدالّة على جواز المسح على المؤخر<sup>۲</sup> لا بدّ من حملها على التقيّة او غير ذلك بعد هجران الاصحاب لمضمونها و عدم فتوى احدٍ على طبقها.

و روایاتی را که دلالت بر جواز مسح بر پشت سر می نماید، باید حمل بر تقيه یا غیر تقيه نمود، (آنها را کنار گذاشت) بعد از آنکه اصحاب ما مضمون آن را ترک نموده اند و احدی بر طبق آن فتوا نداده است.

Sc01: ۶:۰۲

## مستند مسأله هشتم

مسأله هشتم این است که در مسح سر صدق مسمای مسح کفایت می نماید، دو دلیل برای این مسأله وجود دارد:  
الف: آیه وضوء که فرموده «وامسحوا برءوسکم» و این «باء» که باء تبعیض است دلالت می کند که مسح بعض سر کفایت می کند و از آنجا که مسح بعض سر در آیه مطلق است و مقدار این بعض بیان نشده است، پس مسمای مسح کفایت می نماید.

ب: روایاتی مثل صحیحه زراره و بکیر از امام باقر علیه السلام که در آن وارد شده است : «... و اذا مسحت بشيء من رأسك او بشيء من قدميك ما بين كعبيك الى اطراف الاصابع فقد اجزأك<sup>۳</sup>» و از این روایات معلوم می شود که مسح مقداری از سر کفایت می کند هر چند تنها مسمای مسح حاصل شود زیرا روایت بیان کرده که هنگامیکه مقداری از سر را مسح نمائی... کفایت می کند» و اطلاق این کلام شامل مسح به مسمای مسح هم می شود. ۲ FG

## تطبيق

۸- و أما كفاية المسمّى فيكفى لاثباته اطلاق الآية الكريمة فانّ الباء يدلّ على أنّ الواجب مسح بعض الرأس و حيث لم يقيد فيثبت الاطلاق.

۱ . وسائل الشيعه، باب ۲۲ من ابواب الوضوء، حديث ۲.

۲ . نفس المصدر، باب ۲۲ من ابواب الوضوء، حديث ۶.

۳ . نفس المصدر، باب ۲۳ من ابواب الوضوء، حديث ۴.

۸- و اما برای اثبات کفایت مسمای مسح در مورد سر، اطلاق آیه کریمه وضوء کفایت می نماید زیرا «باء» دلالت می کند که مقدار واجب مسح بعض سر است و از آنجا که این بعض مقید نشده است اطلاق اثبات می شود (و مسمای مسح کفایت می نماید).

علی أن صحیحة زرارۃ و بکیر عن ابی جعفر عل ینه السلام: «... و اذا مسحت بشیء من رأسک او بشیء من قدمیک ما بین کعبیک الی اطراف الاصابع فقد اجزاک»<sup>۱</sup> و غیرها واضحه فی ذلک و معه فما علیه بعض العامة من مسح تمام الرأس حتی الاذنین<sup>۲</sup> لا دلیل علیه.

به علاوه اینکه صحیح زرارہ و بکیر از امام باقر علیه السلام: «... و هنگامیکه مقداری از سرت را یا مقداری از دو پایت در فاصله بین دو برآمدگی روی پا تا سر انگشتان را مسح نمودی، برایت کفایت می کند» و غیر آن به وضوح بر آن مطلب دلالت دارد و با وجود این ادله، اعتقاد بعض اهل سنت به لزوم مسح تمام سر حتی دو گوش بدون دلیل است.

SCO۲: ۱۰: ۵۰

### مستند مسأله نهم

مسأله نهم این است که آنچه در وضو در مورد پاها لازم است مسح است نه شستن و این بر خلاف عامه است که شستن پاها را واجب می دانند.

دلیل ما آیه وضوء است: (یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلاة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا برؤوسکم و ارجلکم الی الکعبین)<sup>۳</sup> در این آیه ارجلکم بر طبق قرائت جر عطف بر لفظ «رؤوسکم» است و مطلوب ثابت است و بنابر قرائت نصب هم عطف بر محل «رؤوسکم» است و محل «رؤوسکم» بنابر مفعول بودن برای «امسحوا» منصوب است پس معطوف هم منصوب است و مطلوب که وجوب مسح بلها است ثابت است.

### ادعای اهل سنت

در مقابل اهل سنت اعتقاد دارند که «أرجلکم» بنابر قرائت نصب عطف بر «وجوهکم» است و بنابر قرائت جر هم عطف بر همان «وجوهکم» است منتها به خاطر مجاورت با «رؤوسکم» که مجرور است، مجرور شده است همانطور که در مثال «جرح ضرب خرب» لفظ «خرب» با آنکه خبر است و باید مرفوع باشد به خاطر مجاورت با «ضرب» مجرور آورده شده است.

### جواب ادعای اهل سنت

اگر فردی با ذوق سلیم به آیه نگاه کند در می یابد که عطف «أرجلکم» بر «وجوهکم» صحیح نیست زیرا بین معطوف و معطوف علیه فاصله زیادی آنهم بواسطه یک جمله اجنبی مک «امسحوا برؤوسکم» ایجاد می شود و ذوق سلیم این را نمی-

۱. نفس المصدر، باب ۲۳ من ابواب الوضوء، حدیث ۴.

۲. الفقه علی المذاهب الاربعه، ۵۸/۱ طبعه دار الکتب العلمیه..

۳. المائده: ۶.

پذیرد. علاوه بر اینکه با مراجعه به کتب ادبیات مثل مغنی متوجه می‌شویم که باب مجاورت مربوط به موارد ضرورت شعری است نه کلام خدا پس این توجیه در اینجا قابل قبول نیست.

FG ۳

### تطبيق

۹- و أما أن الواجب في الرجلين المسح دون الغسل - خلافاً لما عليه العامة<sup>۱</sup> - فكتاب الله واضح فيه فان الرجل إما عطف على لفظ «رؤسكم» او على محلها على اختلاف القرائتين و على كلا التقديرين يثبت وجوب المسح.

۹- و اما اینکه واجب در پاها مسح است نه شستن - بر خلاف اعتقاد اهل سرت - کتاب خدا به وضوح بر آن دلالت دارد زیرا کلمه «أرجل» بنابر اختلاف دو قرائت یا عطف بر لفظ «رءوسکم» است (بنابر قرائت جر) یا عطف بر محل آن (بنابر قرائت نصب) و بر هر دو تقدیر وجوب مسح ثابت می‌گردد.

و دعوی: أن العطف على «وجوهكم» فيجب الغسل، غايته على قراءة الجر يكون ذلك من باب المجاورة كقولهم «جر ضب خرب» مدفوعة بإباء الذوق السليم لها بعد طول الفصل بين المعطوف والمعطوف عليه بكلام اجنبی.

و ادعای اینکه «أرجلكم» عطف بر «وجوهكم» است پس شستن پاها واجب است نهایتاً اینکه بنابر قرائت جر برای «أرجلكم»، این جر بنابر باب مجاورت می‌باشد مثل قول عربها که می‌گویند «خانه سوسمار خراب است»، این ادعا به خاطر اینکه ذوق سلیم به دلیل طولانی شدن فاصله بین معطوف و معطوف علیه به کلا می‌اجنبی آن را نفی پذیرد، مردود است.

Scot: ۲۰: ۱۳

### مستند مسأله دهم

مسأله دهم این است که مسح پاها تا برآمدگی روی پاها است و لازم نیست که خود برآمدگی هم مسح شود. مستند این مسأله دو چیز می‌تواند باشد:

الف: صحیح زراره و بکیر که گذشت و در آن آمده بود: «... و اذا مسحت بشيء من رأسك او بشيء من قدميك ما بين كعبيك الى اطراف الاصابع فقد اجزأك»<sup>۲</sup> همانطور که ملاحظه می‌شود امام علیه السلام فرموده اند اگر بین دو برآمدگی تا سر انگشتان مسح شود کفایت می‌کند پس مسح بین کعبین تا سر انگشتان کافی است و لازم نیست خود برآمدگی داخل در مسح باشد.

ب: بحثی وجود دارد که اگر در کلامی غایتی ذکر شود مثلاً گفته شود «تا جمعه می‌آیم» آیا غایت داخل در مغبی است یا نه؟ ظاهر این است که غایت در حکم مغبی داخل نیست و در آیه که وارد شده «الى الكعبين» غایت که همان «كعبين» است داخل در حکم مغبی یعنی وجوب مسح نیست. FG ۴

۱. نفس المصدر، ۵۹/۱.

۲. نفس المصدر، باب ۲۳ من ابواب الوضوء، حدیث ۴.

## تطبيق

۱۰- و أما أن المسح الى الكعبين بلا لزوم ادخالهما في المسح، فهو إما لأن ظاهر ا لغاية عدم الدخول في المغيبي او لصحيحة زرارة و بكير السابقة.

۱۰- و اما اینکه مسح تا دو برآمدگی روی پاها است و لازم نیست که خود دو برآمدگی مسح گردد، یا به خاطر این است که ظاهر غایت، عدم دخول در مغیا است یا به خاطر صحیحۀ گذشتۀ زراره و بکیر است.

SCO۴: ۲۳: ۲۶

## مستند مسأله یازدهم

مسأله یازدهم این است که در مورد مقدار عرضی مسح پا مسمای مسح کفایت می نماید. مستند این مسأله آیه وضوء است زیرا اگر «أرجلكم» عطف بر ظاهر «رءوسکم» باشد، تقدیر آیه اینگونه می شود: «امسحوا بأرجلكم» که «باء» تبعیض بر سر «أرجل» هم داخل می شود و مطلوب مثل بحث مسح سر ثابت می شود و اگر «أرجلكم» عطف بر محل «رءوسکم» باشد، تقدیر آیه اینگونه می شود: «امسحوا أرجلكم» که در این صورت هم به خاطر اطلاق آیه مطلوب ثابت است زیرا با انجام مسمای مسح، به دستور آیه مبنی بر مسح عمل نموده ایم. FG ۵

## تطبيق

۱۱- و أما كفية المسمى عرضاً في مسح الرجلين فهو مقتضى آية الوضوء بناء على قراءة الجر لتقدير الباء بل قد يقال بذلك حتى بناء على قراءة النصب عطفاً على المحل.

۱۱- و اما از نظر عرضی کفایت مسمای مسح در مسح پاها، به مقتضای آیه وضوء است بنابر قرائت جر برای «أرجلكم» به خاطر تقدیر باء تبعیض (بر سر أرجلكم) بلکه ممکن است حتی بنابر قرائت نصب و عطف بر محل «أرجلكم» این مطلب بیان شود. (زیرا اطلاق مسح سر شامل مسمای مسح هم می شود).

SCO۵: ۲۷: ۴۱



## چکیده

۱. لزوم مسح بر قسمت جلوی سر به مقتضای صحیحۀ محمد بن مسلم است که اطلاق آئی وضوء را مقید می‌سازد.
۲. روایاتی که مسح بر پشت سر را جایز می‌داند، یا حمل بر تقیه می‌شود یا به خاطر اعراض اصحاب طرح می‌گردد.
۳. اطلاق آیه وضوء و صحیحۀ زراره و بکیر بر کفایت مسمای مسح سر دلالت می‌نماید.
۴. دلیل اینکه در وضو آنچه در پاها لازم است مسح است نه غسل، این است که کلمۀ «أرجلکم» در آیه وضوء، بنابر قرائت جر عطف به لفظ «رءوسکم» است، و بنابر قرائت نصب عطف بر محل آن و در هر دو صورت مطلوب ثابت است.
۵. اهل سنت «أرجلکم» را عطف بر «وجوهکم» قرار می‌دهند منتها قرائت جر را بنابر قانون مجاورت توجیه می‌نمایند. جواب این کلام این است که ذوق سلیم عطف با فاصلۀ طولانی بین معطوف و معطوف علیه آن هم با جمله اجنبی را نمی‌پذیرد.
۶. دلیل اینکه مسح پاها تا برآمدگی رو پا است و لازم نیست خود برآمدگی مسح شود دو چیز است:  
الف: غایت داخل در حکم مغیی نیست؛ پس «الکعبین» هم داخل در حکم «أرجلکم» نفی باشد؛  
ب: صحیحۀ زراره و بکیر.
۷. دلیل اینکه در مقدار عرضی مسح پا، مسمای مسح کفایت می‌نماید این است که بنابر قرائت جر برای «أرجلکم» تقدیر آیه این می‌شود: «و امسحوا بأرجلکم» و به خاطر «باء» تبعیضیه مطلوب ثابت است، و بنابر قرائت نصب تقدیر این می‌شود: «و امسحوا أرجلکم» و به خاطر اطلاق مطلوب ثابت می‌گردد.